

ایران

یا حسین بن علی کربلایی ست دلم

تلوزیون همیشه جلوم روشن است و این روزها هر کانالی که می‌زنم، روضه و نوحه پخش می‌کنند. من هم گوش می‌کنم و گریه‌ام می‌گیرد، می‌نشینم و با اینها گریه می‌کنم…

سال‌ها پیش شعری با عنوان «ربیعین» برای سیدالشهدا(ع) سروده بودم که ناتمام مانده است:

«یا حسین بن علی
خون گرم تو هنوز
از زمین می‌جوشد
هر کجا باغ گل سرخی هست
آب از این چشمه خون می‌نوشد
کربلایی ست دلم…»

بخشی از گفت‌وگوی هوشنگ ابتهاج با میلاد عظیمی و عاطفه طیبه که در خبرگزاری برنا منتشر شده است

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

• مؤسسه فرهنگی-مطبوعاتی ایران

• **رئیس هیات مدیره:** صادق حسین جابری انصاری

• **مدیرعامل:** علی متقیان

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰

• **پيامک:** ۳۰۰۴۱۱۳ • **روابط عمومی:** صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم

• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ • **شرکت NISCERT**

• **پدیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی-مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

نقل قول



«شاپور رحیمی» درگذشت

شاپور رحیمی، خواننده، نوازنده عود، پس از گذراندن یک دوره بیماری در سن ۷۹ سالگی درگذشت. شاپور رحیمی، متولد سال ۱۳۲۶ بر اثر ابتلا به فعالیت هنری خودرا از دوران کودکی و با حضور در برنامه کودک رادیویران آغاز کرد. او همچنین به مدت چهار سال مدیریت مرکز حفظ و اشاعه موسیقی را بر عهده داشت و در سال ۱۳۹۲ موفق به دریافت گواهینامه درجه یک هنری شد. آیین وداع و خاکسپاری شاپور رحیمی هنرمند پیشکسوت موسیقی و عضو فقید این موسسه روز یکشنبه (۷ تیرماه) ساعت ۱۰ صبح در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) برگزار می‌شود. **خانه موسیقی**



«دلاور دوستانیان» درگذشت

دلاور دوستانیان، مستندساز ایرانی که چندی پیش از ساخت مستندی در مورد بیماری سرطان خبر داده بود، خود نیز بر اثر ابتلا به سرطان معده دار فانی را وداع گفت.

این مستندساز متولد سال ۱۳۴۶ در ایلام بود. در کارنامه فیلمسازی او ساخت آثاری مانند «مورچه‌ها»، «جاده»، «زندگی پنهان»، «دورافتاده»، «هینی مینی»، «از شمال تا جنوب»، «داستان فیکا و فیدان» و «اهسته آرام» به چشم می‌خورد که با کسب جوایز بهترین مستند، فیلمبرداری و پژوهش همراه بوده است. **ایستا**



صحنه ای از نمایش «رگمت به رگمت عاشقی» به کارگردانی سیاوش طهمورث

«تعزیه» در نگاه بیضایی، تقوایی و دیگران

زخم تاریخ روی صحنه

اندازه تعزیه مورد توجه پژوهشگران، نمایشنامه‌نویسان، فیلمسازان و نظریه‌پردازان قرار گرفته باشد. برخی کوشیده‌اند ریشه‌های تاریخی واسطوره‌ای آن را واکاوی کنند، برخی دوربین خود را به میان مجالس تعزیه برده‌اند تا تصویری ماندگار از آن ثبت کنند و گروهی نیزاز ظرفیت‌های روایی و نمایشی آن برای خلق آثار تازه بهره گرفته‌اند. همزمان با برگزاری مجالس تعزیه در روزهای محرم، نگاهی داریم به چند چهره تأثیرگذار فرهنگ و هنر ایران و جهان که هر یک به شکلی متفاوت با این هنر آیینی مواجه شده‌اند؛ از بهرام بیضایی که تعزیه را در بستر تاریخ نمایش ایران مطالعه کرد تا ناصر تقوایی که یکی از مهم‌ترین اسناد تصویری آن را به یادگار گذاشت.

گزارش

حامد قرب

گروه فرهنگی

هنوز هم در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران، با آغاز ماه محرم، میدان‌ها و تکیه‌ها رنگ دیگری می‌گیرند. صدای نوحه، شبیه‌خوانی و روایت واقعه کربلا در فضا می‌پیچد و تماشاگرانی از نسل‌های مختلف گرد صحنه‌ای جمع می‌شوند که قرن‌هاست بخشی از حافظه فرهنگی ایرانیان را زنده نگه داشته است. تعزیه، این آیین نمایشی ریشه‌دار، تنها یک شکل از سوگواری مذهبی نیست؛ روایتی است که در طول زمان به هنر، تاریخ، ادبیات، موسیقی و حتی هویت جمعی ایرانیان، کره خورده است. به همین دلیل نیز تعزیه تنها در میدان اجرا باقی نمانده و بارها موضوع مطالعه، پژوهش و بازخوانی هنرمندان و اندیشمندان قرار گرفته است.

در میان هنرهای نمایشی ایران، کمترپدیده‌ای را می‌توان یافت که به

تاریخ نمایش ایران را آغاز کرد، به تعزیه نه صرفاً به عنوان یک آیین مذهبی، بلکه به عنوان بخشی از سنت نمایشی ایران نگاه کرد. در کتاب «نمایش در ایران»، تعزیه یکی از مهم‌ترین محورهای پژوهش اوست؛ پژوهشی که تلاش می‌کند جایگاه این هنر را در سیر تاریخی نمایش ایرانی توضیح دهد.

بیضایی در آثار نمایشی خود نیز از فضای آیینی و ساختارهای نزدیک به تعزیه فاصله نگرفت. در «مرگ بزرگدرد» یا «مجلس ضربت زدن» می‌توان

نشانه‌هایی از همان جهانی را دید که در آن روایت، شهادت، قضاوت و حضور جمعی تماشاگر اهمیت پیدا می‌کند.

ناصر تقوایی که یکی از حافظه نمایشی ایران به شمار می‌آید که رد آن را می‌توان در آثارش جست‌وجو کرد.

بهرام بیضایی

جست‌وجوی ریشه‌های

یک نمایش ایرانی

رک قرار باشد نام یک چهره را بیش از دیگران با پژوهش نظری درباره تعزیه پیوند دهیم، بی‌تردید نام زنده‌یاد بهرام بیضایی در صدر فهرست قرار می‌گیرد.

او از جوانی، زمانی که مطالعاتش درباره

در میان

هنرهای

نمایشی

ایران، کمتر

پدیده‌ای

را می‌توان

یافت که به

اندازه تعزیه

مورد توجه

پژوهشگران،

فیلمسازان و

نظریه‌پردازان

قرار گرفته

باشند

تنها یک فیلم مستند نیست؛ سندی تاریخی از شیوه اجرا، فضاها، چهره‌ها و مناسباتی است که بخشی از آنها در گذر زمان دگرگون شده‌اند. تقوایی به جای آنکه از بیرون به تعزیه نگاه کند، به دل اجرا رفت. دوربین او میان تعزیه‌خوانان حرکت می‌کند و تماشاگر را با جزئیات این آیین روبه‌رو می‌سازد. حاصل کار، تصویری زنده از هنری است که در همان زمان نیز در حال تغییر بود. به همین دلیل، مستند او امروز علاوه بر ارزش سینمایی، ارزشی پژوهشی نیز پیدا کرده است.

داوود فتحعلی بیگی

دفاع از نمایش‌های ایرانی

برای داوود فتحعلی بیگی، تعزیه بخشی از منظومه بزرگ‌تر نمایش‌های سنتی ایران است. او سال‌ها در مقام نویسنده، کارگردان و مدرس تئاتر بر اهمیت شناخت این میراث تأکید کرده و کوشیده است، نسل جدید هنرمندان را با ظرفیت‌های نمایشی آن آشنا کند. در نگاه او، تعزیه صرفاً یک یادگار تاریخی نیست؛ گنجینه‌ای از شیوه‌های اجرایی، روایت‌پردازی و ارتباط با مخاطب است که همچنان می‌تواند برای تئاتر امروز الهام‌بخش باشد.

جابر عنصری

ثبت روایت‌های پراکنده

بخش مهمی از شناخت امروز ما از تعزیه مدیون پژوهشگرانی است که سال‌ها در شهرها و روستاهای مختلف به دنبال نسخه‌ها، اجراها و روایت‌های محلی این هنر بوده‌اند. زنده‌یاد جابر عنصری یکی از شناخته‌شده‌ترین این پژوهشگران است. او تعزیه را نه فقط در کتاب‌ها، بلکه در میدان اجرا دنبال کرده است. سفرهای متعدد، ثبت روایت‌های شفاهی و گردآوری اطلاعات از گروه‌های تعزیه‌خوان، بخشی از کارنامه او را تشکیل می‌دهد. پژوهش‌های عنصری کمک کرد تا بسیاری از شکل‌های بومی تعزیه پیش از آنکه به فراموشی سپرده شوند، ثبت و مستند شوند.

پرویز ممنون

جست‌وجو در نسخه‌های پراکنده

پرویز ممنون از دیگر چهره‌هایی است که سوز مهمی در حفظ و هنری ایرانی ست؛ تعزیه داشته است. او سال‌ها به گردآوری نسخه‌های پراکنده و مطالعه آنها پرداخت و بخشی از میراث مکتوب تعزیه را از خطر

فراموشی نجات داد. اهمیت فعالیت او زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم بسیاری از نسخه‌های تعزیه در اختیار خانواده‌ها، تعزیه‌خوانان یا مجموعه‌های شخصی قرار داشته و در معرض نابودی بوده‌اند. گردآوری و مستندسازی این منابع، یکی از مهم‌ترین اقدامات برای حفظ تاریخ تعزیه به شمار می‌آید.

عنایت‌الله شهیدی

حافظ متون و روایت‌ها

در میان پژوهشگران تعزیه، نام زنده‌یاد عنایت‌الله شهیدی با گردآوری و مطالعه متون تعزیه پیوند خورده است. او از جمله کسانی بود که اهمیت نسخه‌های تعزیه را به عنوان بخشی از میراث مکتوب ایران یادآور شد و برای حفظ و معرفی آنها تلاش کرد. پژوهش‌های شهیدی نشان داد که تعزیه تنها در اجرا خلاصه نمی‌شود و متون آن نیز از منظر ادبی، تاریخی و فرهنگی اهمیت فراوان دارند. بخشی از شناخت امروز ما از ساختار روایی و زبانی تعزیه، حاصل همین مطالعات است.

پیتز چلکوفسکی

معرفی تعزیه به جهان

تعزیه تنها در ایران موضوع توجه نبوده است. پیتز چلکوفسکی، ایران‌شناس و پژوهشگر آمریکایی لهستانی تبار، از جمله هنر به محافل دانشگاهی جهان داشته است. آثار و پژوهش‌های او باعث شد تعزیه در کنار دیگر سنت‌های نمایشی بزرگ جهان مورد مطالعه قرار گیرد.

چلکوفسکی تلاش کرد، نشان دهد تعزیه صرفاً یک آیین مذهبی محلی نیست، بلکه مظهری از فرهنگ و نمایشی است که در دوران معاصر تئاتر، آیین و مردم‌شناسی جایگاهی مهم داشته باشد. میراثی که هنوز زنده است. وجه مشترک همه این چهره‌ها، تفاوت نگاهشان به تعزیه است. یکی آن را از دریچه تاریخ نمایش می‌بیند، دیگری با دوربین ثبتش می‌کند، پژوهشگری در پی نسخه‌ها و روایت‌هایش می‌رود و هنرمندی می‌کوشد ظرفیت‌هایش را به تئاتر امروز پیوند بزند.

همین تنوع نگاه‌ها نشان می‌دهد که تعزیه، فراتر از یک آیین سوگواری، بخشی از میراث فرهنگی و هنری ایرانی ست؛ میراثی که هر سال با فرارسیدن محرم دوباره بر صحنه می‌آید و همچنان امکان خوانش و بازخوانی دارد.



منظره‌نگاری قرن هجدهم و نوزدهم اروپا پدید آورده‌اند. هرچند میریان در ظاهر، نقاشی واقع‌گراست، اما جریانی ظریف و خیال‌انگیز در زیر پوست واقع‌گرایی و آثارش جاری است؛ جریانی که میان تجرید و بازنمایی تئادلی سنجیده ایجاد می‌کند.

در آثار او، انسانی بی‌تاریخ مطرح می‌شود که گذشته‌ای ویران شده دارد و پیوند خود را با طبیعت از دست داده است. حضور طاق‌ها و پل‌های ویران در پس‌زمینه برخی آثار، مؤید همین نکته است. این نگاه انتقادی، همراه با نشانه‌های تصویری، سیلان بازنمایی سوبژکتیو ذهن هنرمند را شکل می‌دهد. میریان



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

پيامبر اکرم (ص):

مقام حسین بن علی(ع) در آسمان بالاتر از مقام او در زمین است.



سخن‌روز

بحار انوار، ج ۳۶، ص ۲۰۵، ح ۸

فیلم

تلاش برای اهدای اسکار به «تام کروز»

تام کروز که یکی از ستاره‌های بزرگ سینما محسوب می‌شود، با کمپنی عظیم که به رهبری برادران وارنر به راه افتاده، در تلاش است تا بتواند اولین مجسمه طلایی اسکار خود را دریافت کند. کروز با وجود چهار نامزدی اسکار هرگز موفق به کسب این جایزه برای بازیگری نشده است و حالا «دیگر» ممکن است بهترین شانس او برای برنده شدن این جایزه در بیش از ۲۵ سال گذشته باشد. از نظر فنی، کروز یک اسکار افتخاری در کارنامه دارد که سال پیش در مراسمی به او اهدا شد. **ا‌مهر**



تحلیل فرهنگی روز

رضانمی

دبیر گروه فرهنگی

جامعه‌شناسی عزاداری

در عصر شبکه‌های اجتماعی

آیین سوگواری در زمانه دیجیتال



در چند سال اخیر و هم‌زمان با گسترش شبکه‌های اجتماعی، شاهد شکل تازه‌ای از عزاداری و سوگواری عمومی هستیم. این تحول نشان می‌دهد که آیین‌های مذهبی و مناسکی، دیگر محدود به فضاهای سنتی و حضوری نیستند، بلکه در بستر رسانه‌های دیجیتال باآرایی شده و به‌اشکال جدیدی از تجربه جمعی و فردی تبدیل شده‌اند. در این چارچوب، عزاداری‌های ماه محرم را می‌توان یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این دگرگونی دانست؛ جایی که سوگواری از یک کنش صرفاً آیینی و محلی، به یک پدیده رسانه‌ای، شبکه‌ای و تا حدی جهانی تبدیل شده است. از منظر جامعه‌شناسی فرهنگی، این تغییر را می‌توان به عنوان بخشی از فرآیند گسترده‌تر «رسانه‌ای شدن دین» و «دیجیتالی شدن مناسک» فهم کرد؛ فرآیندی که در آن تجربه‌های دینی از بسترهای صرفاً حضوری به فضاهای شبکه‌ای منتقل می‌شوند و در این انتقال، نه‌تنها شکل اجرا، بلکه معنای تجربه نیز دگرگون می‌شود. در این وضعیت، برخی شبکه‌های اجتماعی ویدئومحور صرفاً یک ابزار انتقال پیام نیست، بلکه به بستری برای تولید، بازنمایی و بازتعریف آیین‌های سوگ تبدیل شده است.

در سنت‌های کلاسیک عزاداری محرم، تجربه سوگ عمدتاً بر پایه «هم‌زمانی حضور» و «هم‌مکانی جمعی» شکل می‌گرفت. هیأت‌ها، تکایا، روضه‌ها و دسته‌های سینه‌زنی، فضاهایی بودند که در آنها بدن، صدا، حرکت و عاطفه در یک میدان مشترک ادغام می‌شد و نوعی تجربه زیسته جمعی از آنده و همدلی را تولید می‌کرد. در این فضا، معنا نه صرفاً از طریق مشاهده، بلکه از طریق مشارکت بدنی و احساسی ساخته می‌شد، یعنی سوگ یک تجربه کاملاً «زیسته» و درهم‌تنیده با حضور فیزیکی بود. اما در بستر شبکه‌های اجتماعی این تجربه دستخوش تغییرات اساسی می‌شود. زیست‌جهان سوگواری به مجموعه‌ای از تصاویر و ویدیوهای کوتاه و استوری‌ها تبدیل می‌شود که هرکدام بخشی از تجربه آیینی را بازنمایی می‌کنند. در اینجا، مشارکت نیز از حضور فیزیکی به کنش‌های رسانه‌ای مانند لایک، کامنت و بازنشر منتقل می‌شود. به این ترتیب، عزاداری وارد فضای دیجیتال می‌شود، جایی که تجربه دینی نه فقط زیسته، بلکه دیده و به اشتراک گذاشته می‌شود. در این معنا، گوشه هوشمند یک ابزار تعاملی محسوب می‌شود؛ وسیله‌ای که امکان ثبت، بازنشر و تجربه لحظه‌های سوگ را در همان لحظه فراهم می‌کند و مرز میان حضور در آیین و بازنمایی آیین را از میان برمی‌دارد. در همین راستا، «تصویربرداری» از مراسم عزاداری و آیین‌ها به یکی از عناصر مرکزی این زیست رسانه‌ای تبدیل شده است. شرکت‌کنندگان با استفاده از گوشی‌های همراه خود، لحظات مختلف هیأت‌ها، مداحی‌ها، سینه‌زنی‌ها و فضاهای احساسی مراسم را ثبت می‌کنند و سپس آنها را در شبکه‌های اجتماعی بازنشر می‌دهند. این فرآیند باعث می‌شود که آیین سوگ از یک تجربه صرفاً محلی و حضوری، به یک محتوای قابل‌گسترش در فضای دیجیتال تبدیل شود؛ محتوایی که می‌تواند فراتر از زمان و مکان اولیه خود در معرض دید مخاطبان گسترده قرار گیرد.

از این منظر، فضای مجازی مرز میان امر خصوصی و عمومی را نیز دگرگون می‌کند. سوگواری که پیش‌تر در فضاهای محدود هیأت‌ها با محله‌ها جریان داشت، اکنون در معرض دید شبکه‌های گسترده و حتی جهانی قرار می‌گیرد. این وضعیت نوعی «عمومی شدن آیین» را رقم می‌زند که در آن هرکنش دینی می‌تواند به محتوایی قابل انتشار تبدیل شود. در نتیجه، سوگ علاوه بر معنای دینی خود، واجد ابعاد رسانه‌ای، زیبایی‌شناختی و هویتی نیز می‌شود. در این میان، منطق الگوریتمی شبکه‌های ویدئومحور نقش مهمی در شکل‌دهی به نحوه بازنمایی عزاداری دارد. این الگورتم به‌طور ساختاری محتواهای را برجسته می‌کند که دارای بار عاطفی بالا، جذابیت بصری و قابلیت دگرپسازی بیشتر باشند. به همین دلیل، لحظات احساسی شدید مانند گریه‌های جمعی، نوحه‌های پرشور یا تصاویر نزدیک از عزاداران، بیشتر دیده می‌شوند و بازنشر می‌یابند. از سوی دیگر، این فضا امکان شکل‌گیری اشکال جدیدی از دینداری را فراهم کرده است.

با این حال، این تحول با چالش‌ها و نقدهایی نیز همراه است. برخی از پژوهشگران معتقدند که منطبق رسانه‌ای می‌تواند به سطحی شدن تجربه آیینی منجر شود. در مقابل، دیدگاه دیگری این فرآیند را نه آنحرف، بلکه نوعی امتداد تاریخی دین در مواجهه با رسانه‌های جدید می‌داند؛ همان‌طور که در دوره‌های گذشته نیز دین خود را با ابزارهای ارتباطی زمانه تطبیق داده است. در نهایت، عزاداری‌ها در شبکه‌های اجتماعی را می‌توان پدیده‌ای چندپایه دانست که در آن سنت، رسانه و مدرنیته دیجیتال درهم تنیده شده‌اند. این پدیده نه جایگزین کامل آیین‌های سنتی، بلکه باآفرینی آنها در بستری جدید است؛ جایی که حافظه جمعی، عاطفه دینی و منطق شبکه‌های اجتماعی در تعامل با یکدیگر، شکل تازه‌ای از تجربه سوگ را در چارچوب معاصر خلق می‌کنند.